

رد پای آیین شمنی در افغانستان



نگارنده: ضیاءالدین جمال*

چکیده

آیین شمنی، مجموعه اعتقادات و سنت‌های اجتماعی ترکان باستان است، که شامل باورهای دینی، روش‌های ابتدایی تداوی، داستان‌هایی در مورد جهان و آفرینش آن، آداب و رسوم در مراسم تدفین، تولد نوزادان، ازدواج و مسائل دیگر می‌شود. بیش‌تر باورهای موجود در این نظام اعتقادی، متأثر از شیوه زنده‌گی صحرانوردی و سوارکاری ترکان است و ریشه‌های آن تا بیست‌هزارسال قبل باز می‌گردد. باوجود تحولات عمیق فرهنگی در میان ترکان و ازجمله چندین‌بار تغییر دین و آمیزش با فرهنگ‌های دیگر، آیین شمنی با اشکال مختلفی به حضورش ادامه داده و تا امروز، عرف و عادات فراوان کیش شمنی در میان ترکان مسلمان و اقوام نزدیک آن‌ها وجود دارد، که افغانستان و به‌ویژه ولایات شمال آن، شامل این حوزه می‌شود. این مقاله در پی این بوده‌است تا رد پای باورها و سنت‌های آیین شمنی را در جامعه امروز افغانستان جست‌وجو نماید. این جست‌وجو به اساس مشاهدات عینی نویسنده و در روشنایی تحقیقات اسنادی موجود که به گردآوری باورهای پراکنده کیش شمنی تحت یک نظام اعتقادی واحد پرداخته‌اند شکل گرفته است. تحقیقات علمی‌بی که این مطالعه متکی به آن است، عبارت از آثار پژوهش‌گران غربی، ترک و فارسی‌زبان می‌باشد؛ از این‌رو شیوه این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و روش تطبیق و مقایسه یافته‌های علمی در مورد آیین شمنی با عادات موجود اجتماعی مردم شمال افغانستان نیز به‌کار رفته است. ساحت مورد مطالعه تحقیق، ولایات شمالی افغانستان، به‌ویژه رسوم اجتماعی مردم ولایت تخار در شرایط امروزی می‌باشد. در این مقاله تلاش شده است که ریشه‌های تاریخی و اعتقادی بسیاری از باورها و رسوم اجتماعی مردم شمال افغانستان که اکثراً موهوم و ناشناخته پنداشته می‌شود، مورد بررسی قرار گیرد و پیوندشان با باورهای باستانی شمن‌باوری مشخص گردد.

واژه‌گان کلیدی: آیین شمنی، افغانستان، آسیای میانه، فرهنگ و عادات اجتماعی،

تخار.

نوره و سال دوازدهم نشراتی. شماره سوم. خزان ۱۴۰۲
غالب (فصل نامه علمی - تحقیقی علوم اجتماعی پوهنتون غالب)

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

OPEN ACCESS <<https://ghalibqjournal.com/index.php/ghalibqjournal>>DOI: <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.12.I.3.6>

PP: 85-99

Ghalib

Received: 01/ 05/ 2023

Accepted: 18/ 09/ 2023

Footprints of Shamanism in Afghanistan



Author: Ziauddin Jamal*

Abstract

Shamanism is a set of beliefs and social traditions of ancient Turks, which includes religious beliefs, basic healing methods, stories about the world and its creation, customs and traditions in funerals, births and marriages, and other issues. Most of the beliefs in this belief system are influenced by the way of life of the Turks, and its roots go back to 20,000 years back. Despite the deep cultural changes among the Turks, including changing the religion several times and mixing with other cultures, shamanism has continued to be present in various forms. Until today, there are many shamanistic customs and habits among Muslim Turks and their close relatives, which includes Afghanistan and especially its northern parts. This article seeks to find traces of shamanistic beliefs and traditions in today's Afghan society. This search was done based on the objective observations of the author and in the light of the works that collected shamanistic beliefs under a single belief system. The scientific research that this study relies on is the works of Western, Turkish, and Persian-speaking researchers. Therefore, the method of this research is descriptive-analytical, and the method of comparing scientific findings about shamanism with existing social habits of the people of northern Afghanistan has also been used. The area under study is the research of the northern provinces of Afghanistan and especially the social customs of the people of Takhar Province in today's conditions. In this article, an attempt has been made to examine the historical and religious roots of many social beliefs and customs of the people of northern Afghanistan, which are mostly considered imaginary and unknown, and to determine their connection with ancient shamanistic beliefs.

KeyWords: Shamanism, Afghanistan, Central Asia, Culture and Social Habits.

* Professor at History Department, Faculty of Education, Takhar University, and Student at PhD degree of History, Kacaeli University, Kaocaeli, Turkey (ziyaajamal@gmail.com)



۱. مقدمه

افغانستان، به دلیل موقعیت جغرافیایی اش از گذشته‌های دور بدین‌سو، مبعادگاه فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف بشری بوده است. گروه‌های مختلف انسانی از دوره‌های باستان تا سده‌های پسین، به‌منظور فتح سرزمین‌های دیگر یا به هدف کوچ و اسکان، از کوه‌ها و دره‌های این جغرافیا گذشته‌اند و لشکر بیش‌تر فاتحان نام‌آور تاریخ، دشت‌ها و کوهستان‌های آن را پیموده است. بعضی از این عبور و مرورهای تاریخی، اگرچه به‌سرعت گذشته باشد، اما بیش‌تر شان در بخش‌های این خاک، رحل اقامت افکندند و یاد و نشانی در تاریخ و فرهنگ آن به میراث گذاشته‌اند. فرهنگ امروز افغانستان در نتیجه همین تماس‌ها و تصادم‌های فرهنگ‌های متفاوت بشری در بستر جغرافیایی آن شکل گرفته، متحول شده و ساختار امروزی اش را دریافته است. نمادهایی از بیش‌تر فرهنگ‌های مطرح تاریخ در لایه‌های فرهنگ امروزی افغانستان نقش دارد و در طول سده‌های گذشته حضورش را حفظ نموده است. فرهنگ زردشتی، یونانی، بودایی، مانوی، شمنی و دیگر آیین‌ها و ادیان باستانی در کنار ارزش‌های اسلامی در بنای فرهنگ و عادات اجتماعی امروزی افغانستان نقش و سهم دارند و رد پای هر کدام را می‌توان در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی مردم شناسایی نمود.

یکی از گمانه‌های قوی در میان تاریخ‌پژوهان این است که زردشت و آیین زردشتی از بلخ واقع در شمال افغانستان ظهور کرده است؛ اگر این حدس آن‌ها واقعیت داشته باشد، بنیاد فرهنگ و رسوم اجتماعی افغانستان را دین زردشتی تشکیل می‌دهد؛ اما در مورد حقیقت این ادعا تا هنوز به مدارک موثق تاریخی دست نیافته‌ایم. امر مسلم این است که کیش زردشتی در زمان حکم‌روایی ساسانیان، به‌عنوان دین رسمی آن‌ها در جغرافیای تحت حاکمیت شان مورد پرستش قرار داشت. سرزمین‌های امروز افغانستان در برخی مواقع ساحة نفوذ ساسانیان را تشکیل می‌داد؛ به‌همین دلیل و باتوجه به‌حضور بعضی نشانه‌های آن در فرهنگ امروزی ما، متداول بودن آن در این سرزمین، یک واقعیت مورد اتفاق است. فرهنگ و تمدن یونانی با لشکرکشی معروف اسکندر مقدونی در قرن چهارم ق.م. دره‌های هندوکش را عبور کرد و تا آن‌سوی دریای آمو ادامه یافت. این فرهنگ و هنر چندین قرن با امتزاج فرهنگ بومی تحت نام هنر و صنعت یونانی-باختری در جغرافیای امروزی افغانستان حضور داشته و در نتیجه آن یادگارهای مانده‌گاری را به میراث گذاشته است. در قرون اول میلادی کیش بودایی از جنوب هندوکش شروع به گسترش به‌سوی شمال نمود و طی دوران حاکمیت کوشانی‌ها تا دیار چین وسعت یافت. آیین بودایی در نقاط مختلف افغانستان امروز رواج مستحکم داشت و به حدی که تا امروز از زیر خاک هر گوشه این مملکت معبد و مجسمه‌های بودایی به‌دست می‌آید. فرهنگ بودایی از طریق آمیزش با فرهنگ یونانی-بودایی، دور جدیدی از تکامل فرهنگی را به‌وجود آورد و

به اثر آن دوره درخشان فرهنگی و تمدنی تحت نام یونانی-بودایی در تاریخ این جغرافیا تجربه گردید.

سوارکاران و صحرانوردان ترک و مغول نیز از دوران‌های باستان بدین سو از استپ‌ها و مرغزاران آسیای میانه به مناطق جنوب آمو و هندوکش در رفت‌وآمد بودند. فرهنگ دینی و رسوم اجتماعی آن‌ها که یک‌جا با خودشان وارد این سرزمین شده است، در این مقاله تحت نام کلی آیین شمینی یا شمن‌باوری مورد بررسی می‌باشد. این فرهنگ و عادات اجتماعی تا امروز در بخش‌های وسیعی از افغانستان رواج دارد و تأثیر عمیقی بر فرهنگ و اعتقادات تاریخی مردم این دیار گذاشته است. ورود اسلام در افغانستان و آسیای میانه، تحول عمیق فرهنگی و عقیدتی را به‌وجود آورد. ارزش‌ها و باورهای اسلامی به‌سرعت جای‌گزين اعتقادات قبلی مردم این سرزمین شد. تغییرات وسیعی در جهان‌بینی و عادات اجتماعی آن‌ها رقم خورد؛ ولی عناصر زیادی از فرهنگ‌های قبلی و به‌ویژه از نظام اعتقادی آیین شمینی، باگرفتن هویت اسلامی، وارد حوزه فرهنگی مسلمانان این مناطق گردید. این باورها هرچند تحت نام عقاید باطل و خرافات دینی با مخالفت دوام‌دار علمای اسلامی قرار داشته است، اما باوجود آن تا امروز، به‌خصوص در بعضی مناطق شمال افغانستان حضورش را حفظ کرده است. این مقاله در پی آن است تا ردّ پای باورها و سنت‌های آیین شمینی را در جامعه امروز افغانستان جست‌وجو نماید. این جست‌وجو به اساس مشاهدات عینی نویسنده و در روشنایی تحقیقاتی که به گردآوری باورهای پراکنده کیش شمینی تحت یک نظام اعتقادی واحد پرداخته‌اند. تحقیقات علمی‌بی‌که این مطالعه متکی به آن است، عبارت از آثار پژوهش‌گران غربی، تُرک و فارسی‌زبان می‌باشد. از این رو، شیوه این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و هم‌چنان روش تطبیق و مقایسه یافته‌های علمی در مورد آیین شمینی با عادات موجود اجتماعی مردم شمال افغانستان به کار رفته است. ساحة مورد مطالعه تحقیق ولایات شمالی افغانستان و به‌ویژه رسوم اجتماعی مردم ولایت تخار در شرایط امروزی می‌باشد. در این مقاله تلاش شده است که ریشه‌های تاریخی و اعتقادی بسیاری از باورها و رسوم اجتماعی مردم شمال افغانستان، که بیش‌تر موهوم و ناشناخته پنداشته می‌شود، مورد بررسی قرار گیرد و پیوند شان با باورهای باستانی کیش شمینی مشخص گردد. این مطالعه می‌تواند روزنه جدیدی برای معرفی جامعه و فرهنگ افغانستان بگشاید.

یافته‌های تحقیق، نشان می‌دهند، که برخی از رفتارهای کیش شمینی، هنوز به اشکال خود و یا با تغییر اندک، در رفتار امروز ساکنان شمالی افغانستان وجود دارند، که گاهی رنگ دینی نیز به خود گرفته‌اند.

۲. آیین شمنی و تحولات تاریخی آن

شمن به باور بیش تر پژوهش گران، به معنای راهب، جادوگر، غیب گو و شفابخش است؛ و از زبان تنگوزی وارد زبان روسی شده و از طریق آن به ادبیات علمی غرب راه پیدا کرده است؛ اما در مورد ریشه این کلمه و تعلق اش به زبانی خاص، اتفاق کلی وجود ندارد. باورهایی در مورد منچوری، مغولی و سانسکریتی بودن این کلمه نیز در میان است. آیین شمنی یا شمن باوری به صورت کلی، عبارت از نوعی سحر و جادوی ابتدایی، روش بدوی مداوای بیماران و قدرت تأثیرگذاری روی حوادث به کمک ارواح و موجودات غیر عادی ذهنی می باشد (استاتلی، ۱۳۹۶: ۲۰۸). شمن ها با چنین نقش و توانایی در بیش تر جوامع ابتدایی، مانند شمال امریکا، جنگلات جنوبی سیریا و جاهای دیگر حضور داشتند و تا حالا در میان برخی قبایل در جای جای دنیا به حضور شان ادامه می دهند. دانش مندان خواست گاه آیین شمنی به معنای که ذکر شده را همین جنگلات جنوبی سیریا می دانند و ریشه های آن را تا به عصر سنگ و حدود ۲۰ تا ۳۰ هزار سال قبل می رسانند. آیین شمنی به این مفهوم، کدام نظام اعتقادی یا دین نیست، بل که صرف یک فن و هنر ابتدایی برای تداوی بیماران می باشد. در این نوع باورها، بیماری به اثر ورود ارواح شر در بدن انسان به وجود می آید. برای شفابخشی بیمار تلاش می کنند روش هایی به کار رود تا این ارواح شر، از وجود شخص بیرون شود و بیمار به سلامتی دست یابد (Roux, 2001: 59).

اما در بیش تر مباحث تاریخی، آیین شمنی صرف شامل باورهایی در مورد بیماری و تداوی نیست. بخشی از نظام اعتقادی و جهان بینی ترک های باستان را در بر دارد و همه رسوم، باورها، افسانه ها و جهان بینی قدیم آن ها را شامل می شود. از این که این مجموعه اعتقادی دارای کتاب و بنیان گذار مشخص نیست، کلمه دین روی آن کم تر به کار می رود (İzgi, 2012: 31). در این نظام اعتقادی باور به خدا، شیطان و ارواح، عبادت و قربانی، تشریفات خاص برای مراسم مرده گان، تولد نوزادان و ازدواج و ... وجود دارد. همه اعتقادات شامل این نظام، برخاسته از شیوه زنده گی ترکان باستان و متأثر از جغرافیا و اقلیم استپ های آسیای میانه می باشد. مرغزارهای آسیای میانه همیشه تحت تأثیر نور آفتاب قرار داشت. غروب و طلوع آفتاب، تحول فصل ها و روزها، وقوع حوادث طبیعی، همه از جمله رویدادهای مهم برای ساکنان این سرزمین ها محسوب می شد. آن ها از قدیم به این تحولات طبیعی واکنش نشان می دادند و در مواقعی به جشن، شادی، عبادت و قربانی می پرداختند. این نوع رفتارها و واکنش ها همه مقدمات پیدایش اعتقادات دینی در این منطقه بودند (Sultanova, 2011: 2). اعتقاداتی که به این شیوه در میان ترکان آسیای میانه به وجود آمد، به مرور زمان متحول شده و به شکل یک نظام اعتقادی درآمد، که امروز به نام آیین شمنی یاد می شود. این نظام اعتقادی به دلیل همین ریشه طولانی و باوجود جای گزین شدن ادیان دیگر در میان معتقدان آن، هنوز نشانه های

حضوراش را حفظ کرده است. آیین شمینی/ شامانی، که اساس فرهنگ و جهان‌بینی تُرک‌ها را تشکیل می‌دهد، چندین بار تغییر دین و عقیده، از جمله گرایش به کیش مانوی، بودایی و مسیحیت نتوانسته است آن‌را کاملاً از میان بردارد و حتا تا امروز در میان بخشی از تاتارها به نام تُرکان هاکاسیا پیروان زیادی دارد (İzgi, 2012: 32; İzgi, 2020, 34).

شم‌ها دنیا را به سه بخش آسمان، روی زمین و زیر زمین تقسیم می‌کنند. خدا یا نیروی آفریننده به نام تنگری یا تنری (آسمان) در آسمان مستقر است و شیطان به نام اریک در تحت زمین حضور دارد (İzgi, 2012: 31). خدای آسمان یا تنگری که آفریننده جهان است، از دو نیمه مرد و زن تشکیل شده است: تنگری اومای و اوت‌آنه. اوت‌آنه در بعضی مناطق آسیای میانه و از جمله در خوارزم، به نام امبرآنه خوانده می‌شود. امبرآنه در این مناطق الهه‌یی است که قدرت‌اش را از دربای آمو می‌گیرد. امروز نام یک کوه در میان ولایت تخار و قندوز به نام امبرکوه است و احتمال دارد، که این نام با امبرآنه مناسبت داشته باشد. راضیه سلطان‌اوا یکی از پژوهش‌گران آیین شمینی در آسیای میانه معتقد است که: افسانه‌هایی تا امروز در میان مردمان این سرزمین راجع به خدای مادر وجود دارد. به عقیده او داستان بی‌بی‌شنبه در جنوب اوزبیکستان و بی‌بی‌مشکل‌گشا در مناطق دیگر، مانند افغانستان و تاجیکستان ریشه در همین باور دارد و تاکنون نذرها و مراسمی تحت این نام در میان زنان این مناطق برگزار می‌شود (Sultanova, 2011: 2).

هنگامی که آیین شمینی باور عمومی تُرکان باستان را تشکیل می‌داد، ادیان دیگری و به‌ویژه بعد از گشایش راه ابریشم، وارد سرزمین‌های آسیای میانه شد. پخش و نشر ادیان تازه‌وارد در میان تُرکان باعث تحولاتی در نظام عقیدتی آن‌ها گردید، اما نتوانست بنیادهای اساسی باور و جهان‌بینی آن‌ها را تغییر دهد. آیین شمینی باوجود چندین تحول دینی در میان تُرکان به حضورش ادامه داد. پیروان آیین مانی بعد از این که توسط شاه ساسانی (شاپور اول) سرکوب شدند، به‌سوی آسیای میانه فرار کرده و در سمرقند مستقر شدند. این دین که به دین تجار نیز معروف است، به اثر شغل تجارت و رفت‌وآمد پی‌روان آن میان چین و آسیای میانه، فرصت انتشار را در میان تُرکان به‌دست آورد (مخبر دزفولی، ۱۳۸۴: ۵۴)؛ به‌ویژه زمانی که میویو خاقان پادشاه اویغور از مواجهه با آن‌ها تأثیر پذیرفت و آیین مانوی را دین رسمی دولت‌اش قرار داد. تمیم ابن بهیر، که در سال ۸۲۰م. از جانب عرب‌ها به دربار شاه اویغور فرستاده شده بود، از پرستش آیین مانی و زردشت در میان تُرکان گزارش داده است؛ اما کیش مانوی به‌صورت سریع و ناگهانی با نابودی مواجه می‌شود. دلیل آن ورود ادیان قدرتمند آیین بودایی، عیسویت و اسلام در این منطقه می‌باشد (Roux, 2001: 202).

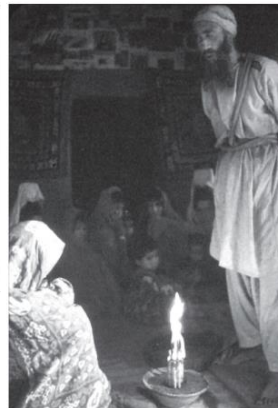
تغییرات اساسی را در نظام اعتقادی شمینی ورود دین اسلام به سرزمین‌های آسیای میانه رقم می‌زند. سپاه اسلام در زمان خلافت حضرت عمر فاروق^(رض) در دو جنگ معروف قادسیه (۶۳۷م) و

نهبوند (۶۴۳م) دولت ساسانی را برانداختند و راه به سوی آسیای میانه گشودند. اعزام قطیبه بن مسلم از سوی دولت اموی به خراسان این پیش‌رفت را سرعت بخشید و تا تاشکند و فرغانه تحت نفوذ عرب‌های مسلمان قرار گرفت. بعد از قطیبه روند پیش‌رفت متوقف شد و این حالت زمینه نفوذ چین را در منطقه مساعد ساخت. سرانجام اتحاد قرق‌لق‌ها با سپاه مسلمانان در جنگ معروف تالاس در سال ۷۵۱ شکست فاحشی به لشکر چین وارد کرد و در نتیجه آن حضور اسلام در آسیای میانه تثبیت شد (Roux, 2001: 191).

روند پذیرش اسلام در میان ترک‌ها، بیش‌تر به وسیله تعلیم و تبلیغ گسترش یافت تا اعمال فشار نظامی و سیاسی. فعالیت تبلیغی علما و صوفیانی که هم‌راه کاروان‌های تجارتی به مناطق ترک‌نشین رفت‌وآمد داشتند، بالای روند اسلام‌پذیری ترکان مؤثر بود؛ به‌ویژه شباهت‌هایی که میان اسلام صوفیانه و آیین شمنی وجود داشت، به گرایش ترکان به اسلام کمک می‌کرد؛ هم‌چنان وجود اعتقادات مشابه در آیین شمنی و اسلام، مانند اعتقاد به آخرت یا بقای روح، دوزخ، قربانی کردن در راه خدا یا به ارواح مرده‌گان و از همه مهم‌تر شیخ‌های صوفی با لطافت و مهربانی جان‌نشین قامان یا شمن‌های قبلی می‌شدند. به این شیوه، عناصر و عادات بسیاری با اندکی تغییرات از آیین شمنی وارد عقاید اسلامی ترکان تازه‌مسلمان می‌گردید. به اثر این آمیزش، جریان‌های تصوفی‌بی چون کبرویه، نقشبندیه، یسویه، قادریه، چشتیه و بکتاشیه در مناطق مختلف آسیای میانه رواج پیدا کردند (مخبر دزفولی، ۱۳۸۴: ۵۷). بسیاری از باورها و عادات کیش شمنی وارد این فرقه‌های تصوفی شدند؛ از جمله رسیدن به خلسه، وجد و نشئه، که میان آیین شمنی و تصوف یکی از مشترکات اساسی است. خلسه در عرفان و تصوف حالتی است بین خواب‌بیداری که منجر به کشف حقایق معنوی می‌شود. رسیدن به این حالت روحی در آیین شمنی از دو راه ممکن بود: یکی رقص و موسیقی و دیگر بهره‌گیری از مواد وهم‌آور و مخدرات. شمن‌باورها عقیده داشتند که دل‌سپردن به حرکات یک‌نواخت و گوش‌سپردن به آهنگ‌های موزون موجب رسیدن به وجد و خلسه می‌شود. روشی که در تصوف نیز سابقه دارد (نیکوبخت و قاسم‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۹۴). طبق برخی از ادعاها، رقص سماع در طریقت مولویه از رقص شامان‌ها گرفته شده است. شمان‌ها با نواختن دف به وجد می‌آمدند و با دست‌ها به‌سوی آسمان چرخ می‌زدند و نوعی از رقص را اجرا می‌کردند. در روش تصوفی مولویه نیز یک دست به‌سوی آسمان و دست دیگر به طرف زمین، رقص یا چرخش سماع انجام می‌شود و از جمله مراسم عبادی آن‌ها محسوب می‌گردد (Ermetin, 2009: 96).

۳. عادت‌های کیش شمینی در شمال افغانستان

در این بحث، به بررسی برخی از آداب و سنت‌های مردم افغانستان می‌پردازیم، که ریشه در نظام اعتقادی شامانیسم/آیین شمینی دارد و به‌ویژه در مناطق شمال این کشور با وجود مخالفت‌های جدی تحت نام خرافات علیه آن، به حضورش ادامه داده است. تنگری یا آسمان، که در باور شمن‌ها عبارت از خدا بود، هنوز در میان ترک‌های افغانستان به‌عنوان یکی از اسم‌های «الله» مورد استفاده می‌باشد. بعضی از عادات شامانی، که قبلاً در میان مردم به‌طور گسترده رایج بود، در بیست‌سال پسین و به اثر تحول فرهنگی، که در افغانستان به‌وجود آمد، از میان رفتند. از جمله تداوی بیماران به روش شمینی بسیار متداول بود. شامان‌ها با استفاده از آتش، ایجاد تاریکی و سروصدا به معالجه بیماران، به‌ویژه بیماران روانی و ولادی می‌پرداختند. حین ولادت یک زن تلاش می‌کردند با ایجاد فضای تاریک و خلق سروصدا، جلوی جن‌پوری را بگیرند تا به زن ضرری نرساند و ولادت به راحتی صورت گیرد (Davletov, 2021: 1) این عادت در میان مردم افغانستان ادامه داشت و بعدها با شلیک تفنگ هم‌راه شد؛ هم‌چنان تداوی به روش دودی کردن یا استفاده از آتش، که در میان ترکان قدیم به نام الس (Alas) یاد می‌شد و بیش‌تر مواقع برای معالجه بیماران روحی به‌کار می‌رفت. در افغانستان این روش طوری است که بیمار را نزد بخشی می‌برند و او بیمار را بعد از این که روی دو پا می‌نشانند، تکه‌های کهنه و ژنده را با بستن در سر چوب و آلوده کردن آن با روغن، آتش می‌زنند. آتش افروخته‌شده را گرداگرد بیمار می‌چرخانند و با دست دیگر اش به پشت بیمار می‌کوبد. بیمار به این شکل احساس می‌کند که جن‌پوری از بدن او رانده می‌شود و روحاً خود را صحت‌یاب حس می‌کند (عابدوف، ۱۳۹۴: ۱۹۲)؛ علاوه بر این روش، تداوی «بیل الس» نیز در برخی مناطق افغانستان رواج دارد. در این روش بیل در آتش داغ و به پاهای مریض کوبیده می‌شود.



عکس (۱): جریان تداوی توسط بخشی در یکی از مناطق ولایت سرپل در سال ۱۹۷۴ (Dupaigne, 2013: 122)

این نوع تداوی‌ها را در جامعه افغانستان کسانی اجرا می‌کنند که به نام «بخشی» یاد می‌شوند. بخشی‌های افغانستان، که با عالم ارواح و جنیبات در ارتباط هستند، در حقیقت همان شامان‌های عصر قدیم می‌باشند. این‌ها بیش‌تر ویژه‌گی و توانایی‌یی را که برای شامان‌ها مردم قدیم قائل بودند، از جمله ارتباط با عالم ارواح و جنیبات، فال یا پیش‌بینی آینده، توانایی تداوی بیماران را دارا هستند. براساس تحقیقات راضیه سلطان‌اوا در میان قزاق‌ها و قیرغیزهای آسیای میانه، شمن‌ها را امروز به نام باقشی، در وادی فرغانه، که بیش‌تر زن‌ها این نقش را به عهده دارند، به نام پری‌خوان، فال‌بین و هم‌چنان باقشی و در ازبکستان به نام بخشی یاد می‌کنند (Sultanova, 2011: 18). بارتولد پژوهش‌گر معروف تاریخ آسیای میانه عقیده دارد که نام بخشی در دوران اسلامی وارد ادبیات ترک‌ها شده است. او می‌گوید که اصطلاح بخشی در اوایل به زاهدان بودایی و کاتبان اویغوری دولت‌های قره‌خانی، مغولی و تیموری اطلاق می‌شد. بارتولد از قول مؤلف *لغت‌نامه چغتایی* می‌نویسد که کاتبان سلاطین ترکستان بالکل فارسی نمی‌دانستند و به همین دلیل بخشی نامیده می‌شدند. این کاتبان وظیفه ثبت و ضبط وقایع تاریخی را به عهده داشتند و در دربار خان‌های چغتایی دارای مرتبت بودند (بارتولد، ۱۳۵۲: ۱۳۸). به نظر می‌رسد که نام بخشی به مرور زمان از کاتبان اویغوری به اشخاصی اطلاق شد که نقش شمن‌های قدیم را به عهده داشتند.

امروز نیز در جامعه افغانستان، بخشی‌ها حضور چشم‌گیر دارند و به کارهایی مانند فال‌بینی، تداوی بیماری‌های روانی، جادوگری و تعویذنویسی مصروف هستند. در روستایی که ما زنده‌گی داریم (قریه نوآباد ولسوالی دشت‌قلعه ولایت تخار)، به شمول یک زن، سه بخشی وجود دارند و همه‌روزه برای مراجعان که بیش‌تر زن‌ها می‌باشند، ارائه خدمت می‌نمایند. بخشی‌شدن در افغانستان از یک مرضی ظاهراً روحی آغاز می‌شود، که به نام جن‌زده‌گی یاد می‌کنند؛ در این مرحله که فرد با دنیای جن‌ها ارتباط برقرار کرده است، اگر بخواهد می‌تواند تحت تداوی یک بخشی بزرگ‌تر با جن‌ها روابطش را صمیمانه بسازد و مقام بخشی‌گری را به دست آورد. یکی از محققان غربی به نام برنارد دوپاین، که در سال ۱۹۷۴ به یکی از روستاهای عرب‌نشین ولایت سر پل جهت مطالعه عقاید کیش شمنی رفته است، جریان بخشی‌شدن را از زبان یکی از بخشی‌های منطقه نزدیک به همین صورت گزارش داده است. او نوشته است که مراسم بخشی‌شدن یک فرد را به نام کمربندی یاد می‌کنند و معمولاً یک بخشی بزرگ‌تر کمر تازه‌بخشی را می‌بندد و به این صورت او به مقام بخشی‌گری می‌رسد (Dupaigne, 2013: 117-118).

همان‌گونه که شمن‌های عصر باستان ارواح را در خدمت داشتند، بخشی‌های افغانستان با جن‌ها ارتباط دارند. بخشی مورد مطالعه محقق غربی، به او گفته است که: ۷۲ نوع جن وجود دارد و تعدادی در زمین و تعدادی دیگر در آسمان مستقر اند. این جن‌ها می‌توانند برای انسان‌ها آسیب برسانند. در

صورت تماس هر بخش بدن انسان با جن، آن عضو بدن آسیب می‌بیند یا فلج می‌شود. فرد آسیب‌دیده را صرف بخشی‌ها می‌توانند تداوی کنند. او گفته خودش با هفت جن قدرت‌مند در ارتباط است. جن‌ها نام‌های مختلفی دارند و یکی از انواع آن به نام المستی یاد می‌شود. به‌نظر نویسنده، المستی همان آلباستی در افسانه‌های ترکان باستان است (id: 123).

مراسم تدفین مرده نیز در افغانستان آدابی وجود دارد، که ریشه آن به آیین شمنی می‌رسد. ابن‌فضلان در قرن نهم میلادی با کاروانی از مسلمانان به هدف آموزش تعالیم اسلامی به تازه‌مسلمانان تُرک وارد آسیای میانه شده بود. او در خاطرات‌اش در مورد شیوه تدفین میت در میان ترکان نوشته است که: برای دفن مرده یک گودال فراخ و عمیق حفر می‌شود. میت را با برخی از اموال شخصی‌اش در وسط آن می‌گذارند و روی آن خاک می‌ریزند. از خاک بر روی گودال تپه‌یی به شکل گنبد می‌سازند. نظر به گزارش او، ترکان قدیم هنگام فوت شخص، روز سوم و هفتم قربانی می‌کردند و برای اهالی غذا خیرات می‌نمودند (Inan, 1986: 178). جان پاوول یکی از ترک‌شناسان فرانسه‌وی می‌نویسد که: در میان ترکان باستان، اگر شخص محترمی فوت می‌کرد، جسد او را در خیمه‌یی گذاشته و دور آن هفت مرتبه با اسپ می‌چرخیدند و فریاد گریه سر می‌دادند. نان جنازه در روز مرگ یا در روزهای سوم، هفتم و چهلم برای مردم آماده می‌شد. زن بیوه متوفی، با یکی از برادرهای شوهر و یا با پسر اندرش ازدواج می‌کرد. او نوشته است، که در عقاید ترکان باستان هر شیء جان‌دار یا بی‌جان دارای روح بود. در نزد آن‌ها این روح و به‌ویژه روح انسان معمولاً شکل پرنده را داشت (Roux, 2001: 62-65). همه این باورها و عادات در مراسم مرگ و تدفین را می‌توانیم با اندک‌تغییراتی در جامعه امروزی افغانستان مشاهده نماییم. قربانی و غذا در هنگام فوت شخص امروز در آسیای میانه به نام خدایی و در افغانستان به نام خیرات یاد می‌شود. مراسم خیرات مانند عهد باستان با تغییراتی در میان مردم افغانستان نیز تاکنون ادامه دارد. مراسم سوم، هفتم، چهلم و سال، با خیرات و ذبح حیوانات (تحت نام خون‌کردن و دیگ‌حلال‌نمودن) باوجود مخالفت عالمان دینی هنوز برگزار می‌شود. رسم دیگری که در میان پی‌روان آیین شمنی وجود داشت، آتش‌افروزی روی قبر متوفی به مدت سه شب و نگه‌داری قبر در این مدت بود. طبق حکایت بزرگسالان در جامعه افغانستان چنین رسمی نیز وجود داشته است؛ اما امروز نمونه زنده آن را نداریم یا حداقل از وجود آن نگارنده آگاهی ندارد؛ هم‌چنان مردمان شمال افغانستان عقیده دارند، که روح انسان متوفی و به‌خصوص کسانی که شهید می‌شوند، در چهره پرنده به گردش در اطراف نزدیکان‌اش ادامه می‌دهد.



تقدس درخت در زیارت و بستن پارچه‌های رخت بر شاخه‌های آن به منظور برآورده شدن آرزوها از میراث‌های دیگر آیین شمینی است؛ این عادت تقریباً در میان تمام جوامع ترک‌تبار جهان و مردمان نزدیک آن‌ها هنوز زنده است. به اساس این عقیده، شخص نیازمند، یک پارچه رخت را بر درخت مورد احترام می‌بندد و هنگام بستن پارچه، آرزو یا رفع مشکل و یا برآورده شدن نیازی را در دل می‌پروراند؛ به این ترتیب، باور دارد که حاجت‌اش به‌زودی برآورده خواهد شد (Davletov, 2021: 115). این رسم به‌صورت گسترده در افغانستان و به‌ویژه نزد جامعه زنان هنوز مروج است. حتا ممکن مراسم جهنده‌بالا در زیارت‌های معروف افغانستان، به‌شمول مزار منسوب به حضرت علی (رض) در بلخ، ریشه در همین باور کیش شمینی داشته باشد.



عکس (۳): زیارت موتر سوخته در ولایت تخار

این زیارت بقایای حادثه‌ی بی‌است که در آن یک موتر با سرنشینان‌اش در سال ۱۳۶۳ خورشیدی مورد حمله هوایی نیروهای ارتش سرخ قرار گرفت و در نتیجه تمام سرنشینان آن کشته شدند. از

آن‌جایی که در این حادثه انسان‌های بی‌گناه با حمله روس‌ها کشته شدند، مورد احترام مردم محل است. مردم و خصوصاً زنان به این محل جهت نذر و دعا می‌آیند و با بستن پارچه‌های رخت، طلب حاجت می‌کنند. مرد معیوبی که در تصویر حضور دارد، مینگ محمد است و مدت ۳۳ سال می‌شود شبانه‌روزی مَجْرَوانی زیارت را می‌کند (پژواک، ۱ اسد ۱۴۰۲).

باورهای موجود در میان مردم عادی افغانستان راجع به آفتاب و مهتاب‌گرفته‌گی هم‌چنان متأثر از عقاید کیش شمینی است. در باور شمنیست‌ها، ارواح شرّ یا بد همیشه با مهتاب و آفتاب در جنگ و مجادله قرار دارند. در بعضی مواقع این ارواح بد آن‌ها را گرفتار و تلاش می‌کنند به دنیای تاریکی ببرند. دلیل آفتاب و مهتاب‌گرفته‌گی در این نظام اعتقادی، عبارت از همین تلاش ارواح شرّ می‌باشد. زمانی که آفتاب یا مهتاب‌گرفته‌گی واقع می‌شد، شمنیست‌ها به‌خاطر نجات آن‌ها از جنگ ارواح به فریاد و سروصدا می‌پرداختند و دُهل می‌کوبیدند؛ به باور آن‌ها ارواح بد از سروصدا می‌ترسند و آفتاب یا مهتاب را رها می‌کنند (Mömin, 2013: 85). این نوع باورها و برخورد با حوادث طبیعی آفتاب و مهتاب‌گرفته‌گی در میان مردم عادی افغانستان هنوز موجود است.

علاوه بر مواردی که توضیح داده شد، سنت‌های دیگری نیز در میان مردم افغانستان وجود دارد، که یادگار باورهای آیین شمینی / شامانی است؛ از جمله باورهایی در مورد طلب باران، که در شمال افغانستان به نام اشه‌گلان یاد می‌شود و با سرود و شعر خاص خود اجرا می‌شود؛ نظرشدن و راه‌های مقابله با آن، انجام نذرهای مختلف توسط زنان مانند نذر «بی بی مشکل گشا یا بی مشکلی»، عاداتی در مراسم ازدواج و دیگر مراسم.

۴. مناقشه

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که عادات و رسوم اجتماعی در مراسم ازدواج، تدفین و تولد، باورهایی در مورد توانایی برخی افراد به نام بخشی در پیش‌گویی، تداوی امراض روانی و در خدمت‌گرفتن جنیات، عاداتی برای طلب باران و واکنش‌های خاص در برابر حوادث طبیعی، مانند خسوف و کسوف، هنوز در میان مردم شمال افغانستان حضور محسوس دارد. این عادات و رسوم اجتماعی برخلاف باور آگاهان اجتماعی و دینی، که آن را به‌عنوان باورهای خرافی ناشی از جهل مردم می‌دانند، ریشه در عقاید باستانی و باورهای دینی دوران پیش از اسلام دارد. منبع اصلی این رسوم، عقاید دینی تُرکان قدیم است، که پژوهش‌گران تاریخ آن را به نام آیین شمینی یا شمن‌باوری یاد می‌کنند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اکثریت

در این زمینه تا هنوز تحقیق مفصل و علمی صورت نگرفته است. یک محقق غربی به نام برنارد دوپاین، تحقیقی تحت عنوان آیین شمینی در افغانستان در سال ۱۹۷۴ انجام داده است، که ساحت

تحقیق وی صرف یکی از قریه‌های عرب‌نشین ولایت سرپل را در بر دارد. علاوه بر آن، محقق مذکور صرف یکی از عادات کیش شمنی را که بخشی‌گری می‌باشد، مورد مطالعه قرار داده است. این تحقیق مختصر نیز ادعای مطالعه کامل این حوزه را ندارد و فقط در قالب یک بررسی عمومی و مقدماتی است. تحقیقات دامنه‌دار و عمیق در این زمینه مسؤولیت جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان می‌باشد و امیدواریم که آن‌ها در این حوزه توجه بیش‌تر و مطالعات مشروح‌تری انجام دهند.

۵. نتیجه‌گیری

آیین شمنی از جمله نظام اعتقادات باستانی است و ریشه‌های آن به عصر سنگ و زمانی که انسان‌ها به آگاهی لازم دست نیافته بودند، می‌رسد. بر مبنای تحقیقات انجام‌شده، آیین شمنی از سایرین و از میان مردمان اورال-آلتای برخاسته است و دین بیش‌تر مطلق ترکان را در عصر قبل از اسلام تشکیل می‌داده است. سنت‌ها و عادات اجتماعی متعلق به عصر شمن‌باوری در زنده‌گی اجتماعی و دینی مردم افغانستان و به‌ویژه ولایت‌های شمال این کشور حضور ملموس دارد؛ با وجودی که این باورها تحت نام عقاید باطل و عادت‌های خرافی مورد انتقاد علمای دینی و روشن‌فکران بوده است، به‌صورت کامل نابود نشده‌اند. هنوز مردم این کشور در مراسم سوگواری و تدفین میت تشریفات عصر شمنی را به‌کار می‌برند و تهیه غذا با قربانی حیوانات را در روزهای سوم، هفتم و چهلم مرگ بسته‌گان شان عملی می‌نمایند. زیارت و تقدس مزار شهیدان و بستن پارچه‌های رخت در شاخه‌های درخت صحن قبر هنوز در میان مردم و به‌ویژه زنان رواج دارد. جامعه زنان افغانستان بیش‌تر از مردها تاکنون به سنت‌های آیین شمنی پای‌بند مانده‌اند. برگزاری نذرهای مختلف، اعتماد به تداوی شیوه شمنی، مراجعه به زیارت‌ها جهت درخواست حاجت در میان زنان قویاً پابرجاست. باورمندی به مداخله ارواح و به‌ویژه جنیات در زنده‌گی انسان‌ها و توانایی بخشی‌ها، ملاها، پیرها، آقاها و سادات در مهار این ارواح مضره و قدرت غیب‌گویی، پیش‌بینی و شفابخشی آن‌ها تا امروز در جامعه افغانستان باورمندان خود را دارد.

سرزمین افغانستان به دلیل کوهستانی بودن و عدم امکان ارتباط وسیع میان همه اقوام آن، دارای تفاوت‌های مشخص فرهنگی می‌باشد و در تمام نقاط این کشور نمی‌توانیم سنت‌های کیش شمنی را مشاهده کنیم. این سنت‌ها همان‌گونه که یادآور شدیم، بیش‌تر در شمال کشور و میان اوزبیک‌ها، تاجیک‌ها و ترکمن‌ها مروج است. در دو دهه گذشته رشد آگاهی عمومی، فراگیر شدن تعلیم و تربیه، دسترسی مردم به خدمات صحتی و تداوی مدرن و توسعه ارتباطات میان اقشار مختلف جامعه، باعث شده است، که باورهای شمنی به حد چشم‌گیری ضعیف شود؛ اما با وجود این تحولات اجتماعی

به صورت مطلق هنوز از میان نرفته است و در میان زنان و جامعه روستایی افغانستان و محدوده مطالعه این تحقیق (تخار)، هنوز حضور برجسته دارد.

ORCID

Ziauddin Jamal  <https://orcid.org/0009-0009-3162-1006>

سرچشمه ها

۱. آژانس خبری پژواک، (۱ اسد ۱۴۰۲ ه ش)، «حکایت تلخ موتر سوخته؛ در تخار، یک مرد بیش از سه دهه می شود در قبرستان قربانیان یک رویداد مرگبار زنده گی می کند». برداشت (۲ اسد ۱۴۰۲). قابل دسترس در: <https://pajhwok.com/fa/2023/07/23/the-bitter-story-of-burnt-car-in-takhar-a-man-has-been-living-in-the-cemetery-of-the-victims-of-a-deadly-event-for-more-than-three-decades/>.
۲. استاتلی، مارگات. (۱۳۹۶). *مقدمه ای بر شامانیسم*. ترجمه بیژن اسدی مقدم. ایران: نگین سیلان.
۳. بارتولد، و. و. (۱۳۵۲). *ترکستان نامه*. ج اول. ترجمه کریم کشاورز. ایران: بنیاد فرهنگ ایران.
۴. عابدوف، داداجان. (۱۳۹۴). *آداب، آیین ها و باورهای مردم افغانستان*. کابل: انستیتوی مطالعات استراتژیک افغانستان.
۵. مخبردزفولی، فهمیه. (۱۳۸۴). «ترکان از آیین شمینی تا اسلام». ایران: مجله علمی-پژوهشی تاریخ و تمدن اسلامی. شماره ۱. صص. ۴۹-۶۹. https://jhcin.srbiau.ac.ir/article_4832.html.
۶. نیکوبخت، ناصر؛ قاسم زاده، سیدعلی. (۱۳۸۸). «روش های خلسه گی شمنیسم در برخی از فرقه های تصوف». ایران: مجله مطالعات عرفانی. (۹). ۱۸۵-۲۱۶. <https://sid.ir/paper/123357/fa>. SID.
7. Davletov, Timur B. (2021), *Sibirya'dan Anadolu'ya Türk Şamanizmi'nin Sosyolojisi*, İstanbul: Urzeni Yayınevi.
8. Dupaigne, Bernard, (2013), "Shamans in Afghanistan", *Shamanism and Islam*, Edu. Thierry Zarcone and Angela Hobart, London: I. B. Tauris and Co Ltd, 2013.
9. Ermetin, Günnur Yücekal, (2009), *Mevlevilikte Şamanizm İzleri*, İstanbul: Töre Yayınevi.
10. İnan, Abdülkadir, (1986) *Tarihte ve Bugün Şamanizm*, Ankara, Türk Tarih Kurumu.
11. İzgi, Mustafa Cumhur, (2012), "Şamanizm ve Şamanlara Genel bir Bakış", Ankara: *Lokman Hekim Journal*, 2 (1).
12. İzgi, Özkan, (2020), *Orta Asya Türk Tarihi Araştırmaları*, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
13. Mōmin, Samire, (2013), "Şamanizm ve Günümüzdeki Kalıntıları", Ankara: *Ulakbilge Dergisi*, c. 1, sayı 1, (79-89).
14. Roux, Jean-Paul, (2001), *Orta Asya Tarih ve Uygarlık*, İstanbul: Kabalcı Yayınevi.
15. Sultanova, Razia, (2011), *From Shamanism to Sufism, Women, Islam and Culture in Central Asia*, London: I. B. Tauris and Co Ltd.

References

1. Abedov, Dadajan, (2014), *Manners, Rituals and Beliefs of the People of Afghanistan*, Kabul: Institute of Strategic Studies of Afghanistan. (Persian)
2. Davletov, Timur B. (2021), *Sociology of Turkish Shamanism from Siberia to Anatolia*, Istanbul: Urzeni. (Turkish)
3. Dupaigne, Bernard, (2013), "Shamans in Afghanistan", *Shamanism and Islam*, Edu. Thierry Zarcone and Angela Hobart, London: I. B. Tauris and Co Ltd, 2013. (English)

4. Ermetin, Günnur Yücekak, (2009), *Traces of Shamanism in Mevlevi*, Istanbul: Töre. (Turkish)
5. Inan, Abdulkadir, (1986) *Shamanism in History and Today*, Ankara, Turkish Historical Society. (Turkish)
6. İzgi, Mustafa Cumhur, (2012), "Shamanism and an Overview of Shamans", Ankara: Lokman Hekim Journal, 2 (1). (Turkish)
7. İzgi, Özkan, (2020), *Central Asian Turkish History Studies*, Ankara: Turkish Historical Society. (Turkish)
8. Mokhbardzfouli, Fahmieh, (Summer 2014), "Turks from Shamanism to Islam", *Scientific Research Journal of Islamic History and Civilization*, No. 1, pp. 49-69. (Persian)
9. Mömin, Samire, (2013), "Shamanism and Its Remains Today", Ankara: Ulakbilge Journal, V. 1, number 1, (79-89). (Turkish).
10. Nikobakht, Nasser and Qasim-zadeh, Seyyed Ali, (spring and summer 2018), "The ecstatic methods of shamanism in some sects of Sufism", *Esfani Studies*, No. 9, pp. 185-216. (Persian)
11. Pajhwok News Agency, (1 Asad 1402 AH), "The bitter story of "burnt car" in Takhar; For more than three decades, a man lives in the cemetery of the victims of a fatal event", <https://pajhwok.com/fa/2023/07/23/the-bitter-story-of-burnt-car-in-takhar-a-man-has-been-living-in-the-cemetery-of-the-victims-of-a-deadly-event-for-more-than-three-decades/> (Persian)
12. Roux, Jean-Paul, (2001), *Central Asian History and Civilization*, Istanbul: Kabalcı. (Turkish)
13. Statley, Margat, (2016), an introduction to shamanism, translated by Bijan Asadi Moghadam, Negin Sablan.
14. Sultanova, Razia, (2011), *From Shamanism to Sufism, Women, Islam and Culture in Central Asia*, London: I. B. Tauris and Co Ltd. (English)
15. Barthold, V. V. (1352), *Turkestannameh*, first volume, translated by Karim Keshavarz, Iran: Foundation of Iran Farhang.